

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره قریش، ۱۰ ماه مبارک رمضان

اگر کسی بخواهد فهم قرآن را منسجم از اول ابتدایی شروع کند، در هر پایه چند سوره از جز سی را آموزش می‌دهیم. تا الان سوره‌های سال اول (سال اول می‌تواند کلاس اول و یا مثلا کلاس چهارم باشد) در فهم قرآن را توضیح دادیم. از اینجا به بعد وارد سوره‌های سال دوم می‌شویم.

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۱)

إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

از ابتدا موضوع ایلاف مطرح شده است.

ایلاف یعنی ایجاد الفت. الفت یعنی رابطه نزدیکی که افراد باهم دارند و باعث می‌شود کنارهم بمانند و کار مشترک انجام دهند. رابطه دوستانه ای که باعث کنارهم بودن و ماندن افراد می‌شود.

لَا يَلْفَ قُرَيْشٍ

خدا الفتی را بین افراد قریش ایجاد کرده است. الفت را خدا باید ایجاد کند. هم الفتشان با هم و هم الفتشان با شغلشان، با کوچ زمستان و تابستانه شان.

قریش قبیله پیامبر است. نسل پیامبر از همین قبیله است. امام زمان عج هم که منتظر ظهورشان هستیم، از همین قبیله هستند. این قبیله در مکه مستقر بودند و قبیله اصلی مکه بودند. در مکه نه امکان کشاورزی وجود دارد نه دامداری. شغل مردم بیشتر تجارت بوده به خاطر مرکزیت بیت الله الحرام، افراد برای زیارت می آمدند. تجارت با مناطق شمالی، سمت شام و مناطق جنوبی مثل یمن انجام می شده است. در زمستان می رفتند سمت سرزمین های گرم مثل یمن و در تابستان به سمت سرزمین های سرد مثل شام می رفتند. این کوچ زمستانی و تابستانی اقتصاد شهر را می چرخانده.

إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ

در سوره به الفت با خودشان و الفتشان با این کوچ تابستان و زمستان اشاره کرده است.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

حالا که پروردگار این الفت را برایشان ایجاد کرده، باید پروردگار این خانه را بپرستند. پروردگار است که با مرکزیت این بیت، امکان معاش و امنیت را برایشان فراهم کرده است.

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

پروردگاری که از گرسنگی و ترس اطعام شان کرد. نیاز به غذا و امنیت از نیازهای اولیه انسان هست. خداوند این را با الفتی که بین آنها و بین آنها با شرایط و سبک زندگیشان ایجاد کرده، رقم زده است.

در سطوح مختلف حقایق مختلفی را سوره بیان می کند:

* خداوند اهمیت خاصی برای قبیله قریش قائل شده چون قرار بوده پیامبر آخرالزمان

در این قبیله ظهور پیدا کند و منجی موعود هم از همین قبیله خواهد بود.

* افراد برای اینکه نیازمندی‌های اولیه زندگیشان را بتوانند تامین کنند، نیاز به رابطه و کار گروهی دارند.

برای آن نیاز به الفت دارد.

* از بزرگترین نعمتهای خداوند ایلاف است. باعث می‌شود جوامع بتوانند باهم زندگی کنند و به واسطه این

جمع شدنشان نیازهایشان را برطرف کنند.

این سوره بعد از سوره فیل نازل شده و ارتباط نزدیکی باهم دارند. به لحاظ فقهی در نماز باید این دو سوره باهم

خوانده شوند. زوج سوره هستند. برخی گفته‌اند سوره قریش ادامه سوره فیل است و "ل" اول سوره به معنی برای

غایت مطالب سوره فیل را بیان می‌کند.

ما وقتی سوره قریش می‌خوانیم می‌فهمیم اولاً باید از خدا ممنون باشیم بخاطر اینکه خدا برای هدایت انسان‌ها

پیامبرانی فرستاده و برای ظهور این پیامبران بسترهایی را فراهم کرده که یکی از آن بسترها، بستری هست که در

قبیله قریش ایجاد کرده است.

سپس با خواندن سوره قریش متوجه شویم که چقدر الفت آدمها با یکدیگر مهم است و چه نعمت بزرگی است.

ارائه سوره

از سوره قریش به بچه‌های دبستانی، اهمیت جمع بودن و الفت داشتن را یاد می‌دهیم چون درمورد الفت در میان

قبیله و بین خودشان با موقعیت‌های اجتماعی‌شان قرار داده و به واسطه آن نیازهایشان را برطرف کرده، اهمیت

لفت داشتن و جمع شدن و رفع نیازهایی که بواسطه جمع شدن اتفاق می‌افتد، را یاد می‌دهیم.

طبق فرایندی این را می‌فهمند.

اولا باید جمع را بفهمند و بدانند که یکسری کارها با جمع انجام می‌شود.

این جمعها شکلها و تنوع دارد.

بعد بتوانند جمع کوچکی انجام دهند و کاری که تنهایی انجام نمی‌شود را انجام دهند.

بعد متوجه بعد اجتماعی شوند، کارهای بزرگتر جمعی را شناسایی کنند و انجام دهند.

کم کم اهمیت نقش‌های اجتماعی را متوجه شوند. خیلی از اتفاقات را شاید ما متوجه آن نشویم. صبح که از خواب پا می‌شویم، شهرمان تمیز است، افرادی هستند که شغلشان تمیز کردن شهر است، افرادی هستند که شغلشان معلمی است، افرادی هستند که غذای ما را تامین می‌کنند، کشاورز هستند، برخی محصولات کشاورزی را مثلا به آرد تبدیل می‌کنند، نانوا داریم و... انواع نقشهای اجتماعی را داریم. این فرآیند تا جایی می‌تواند ادامه پیدا کند که در نقش‌های اجتماعی قرار بگیرند و آنرا تجربه کنند. در محیط شهری کمتر بچه‌ها به این سطح رسیده اند که نقش اجتماعی داشته باشند، به صورت تمرینی این کار را می‌کنند. در بعضی محیط‌های روستایی واقعا ممکن است بچه ۱۲ ساله نقش اجتماعی داشته باشند.

بواسط سوره قریش اهمیت ایجاد الفت و جمع سازی و انجام کارهای جمعی و رفع نیازهای اجتماعی بواسطه جمع ایجاد می‌شود را به بچه‌ها یاد می‌دهیم.

تدبر در سوره قریش

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

در ادامه سوره فیل آمده است. در سوره فیل رویت فعل پروردگار در مقابله با سپاه فیل مطرح شده که با پرندگان کوچک آنها را نابود می‌کند. در سوره فیل از ما دعوت می‌کند که بینیم چگونه خیلی ساده خدا از کعبه دفاع می‌کند. در سوره قریش می‌گوید همه این‌ها برای ایجاد الفت در میان قریش است.

ما معمولاً در قرآن وقتی با حقایقی روبرو می‌شویم می‌دانیم که قرآن درباره معانی صحبت

می‌کند، تمرکز فقط روی یکسری مصادیق خاص نیست. این معنا می‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد. خدا راجع به خورشید که می‌گوید والشمس و ضحاها منظور از شمس فقط خورشید در آسمان نیست. شمس به معنای حقیقتی است که از خودش نور دارد و آن را منتقل می‌کند و بقیه چیزها را هم نورانی می‌کند و القمر اذا تلاها، قمر که تالی آن بوده، دنبال خورشید می‌رود و نورش را منعکس می‌کند. این معناست می‌تواند مصادیق‌های مختلفی داشته باشد. یکی از مصادیقش همین خورشید در آسمان است ولی مصادیق دیگر هم دارد.

مصادیق بزرگ شمس، پیامبر است. در روایت داریم شمس، پیامبر است و قمر، امام علی است. علامه طباطبایی هم در المیزان تاکید دارد که مجازاً هم نیست، حقیقتاً همین است. شاید پیامبر مصادیق مهمتری از خورشید هم باشد. شاید یک معلم یک جا نقش خورشید را ایفا کند و مصادیق این شمس باشد.

ولی گاهی خود مصادیق مورد نظر است مانند ابولهب در سوره مسد. قریش منظور همین قبیله قریش است. الفت در این قبیله را دارد می‌گوید. قریش موضوعیت دارد. می‌شد اسم قریش نیاید. این موضوع قابل توجه است. چیزی که به ذهنم می‌رسد این است که پیامبر در این قبیله می‌آید و منجی که ما منتظرش هستیم قریشی است. خدا این بستر را فراهم کرده برای ظهور آخرین پیامبر و آخرین امام.

اینها فرصتی برای تفکر در آیات قرآن است.

ایلاف باب افعال از الفّ است. افعال یعنی این الفت را بوجود آوردن. خدا این کار را می‌کند.

إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ

ایلاف قریش را توضیح می‌دهد. دو مفعول برای ایلاف در نظر گرفته یعنی الفتی که توسط خدا ایجاد شده بین آنها (ایلافهم) و نسبت به کوچشان، رحله یعنی کوچ.

این الفت بین افراد است. هر جا کار جمعی انجام می‌شود، باید الفتی بینشان باشد که بتوانند

باهم هماهنگ باشند. اگر این هماهنگی نباشد، کار هم اتفاق نمی‌افتد. افراد باید هم بین خودشان یک الفت و حس ارتباط داشته باشد و هم با کاری که می‌کنند باید الفت داشته باشند. کار اصلی قریش کوچ بوده است. ما از صحبتی که سوره در مورد قریش می‌کند، می‌توانیم متوجه حقایق دیگر می‌شویم.

قریش جایی زندگی می‌کند که کار و کسب درآمد در آنجا سخت است. ما ممکن است متوجه این موضوع نشویم که اگر خدا شرایط را برایمان فراهم نمی‌کرد زندگیمان نمی‌چرخید و این شرایطی که خدا برایمان ایجاد کرده در گذران زندگیمان خیلی موثر است. در مکه این موضوع مخصوصا مکه زمان نزول قرآن قابل درک تر است. چون مکه جای زندگی نیست. نه آب، نه بارندگی و نه زمین خاصی دارد. در قرآن می‌گوید حضرت ابراهیم که خانواده خود را به مکه می‌برند صحبت از واد غیر ذی زرع می‌کند یعنی سرزمینی که اصلا امکان کشاورزی در آن وجود ندارد.

خیلی جالب است که خدا یک همچین سرزمینی را به عنوان قبله مسلمین قرار داده است. در این سرزمین که امکان سکونت نیست، بهتر می‌فهمند که اگر خدا این شرایط را فراهم نمی‌کرد چگونه زندگی می‌کردند. وسط بیابان اگر خدا امنیت را ایجاد نمی‌کرد به واسطه کعبه یا به واسطه اتفاقی که درعام الفیل افتاد و قبائل زیادی احترامشان به این سرزمین زیاد شد و مردم فهمیدند حمایت ویژه‌ای پشت سر این سرزمین است. اگر کعبه که بهانه رفت و آمد مردم به آنجا بود در مکه نبود؟ برای ابرهه عجیب بود در یک سرزمین نامناسب یک خانه سنگی ساده ای بود که همه را به خود جلب می‌کرد ولی آنها در سرزمین بهتری، معبد بسیار زیباتر و باشکوهتری ساخته بودند که هر کار می‌کردند مردم را به خودش جذب نمی‌کرد. برای همین به این نتیجه رسیدند که کعبه را خراب کنند، آن نباشد تا آدمها جذب یک جای دیگر بشوند. توجهی که خدا ایجاد کرده که مردم جذب این سرزمین شوند اهمیت داشته است. در این سرزمین انسان بهتر متوجه این موضوع می‌شوند که خداوند شرایط را فراهم می‌کند تا بتوانند یک جایی با هم زندگی کنند. با کوچ می‌شود در آنجا زندگی کرد که سخت بود. چند ماه در یک

سرزمین و چند ماه در سرزمین دیگر مسافرت می‌کردی و کاروان‌ها بیشتر در رفت و آمد بودند. با اینکه سخت بوده با آن مانوس بودند و زندگی شان را می‌چرخاندند. ما هم با سبک زندگیمان انس داریم . سبک زندگی‌های دیگر برایمان جای سوال دارد که چگونه در آن شرایط زندگی می‌کنند.

قُلِّعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

هذا البيت یعنی کعبه ولی معلوم است در بحث الفت، بیت موضوعیت دارد. الفت‌ها حول بیتی شکل می‌گیرند. بیت الله مرکز همه بیوت عالم است، خانه خداست. هر خانواده ای که شکل می‌گیرد یک بیت است. بیت علما داریم. بیت به هر جا که فضای امنی برای انس افراد و فعالیتی شکل می‌گیرد، می‌گویند. یک خانواده شامل پدر و مادر یا همسر و فرزند داریم، خانواده‌های دیگر هم داریم. خیلی وقت‌ها افرادی که دور هم جمع می‌شوند تا یک فعالیتی انجام دهند، یک بیت تشکیل می‌دهند. خدا می‌خواهد ما همه عضو خانواده پیامبر باشیم. در بیت رسول الله باشیم. بیت در الفت موضوعیت دارد.

این بیت ربی دارد. رب نقص‌ها را برطرف می‌کند و به طرف کمال می‌برد. رب البیت است یعنی ربی است که باید در این بیت پرستیده شود. بیوت ما هم باید ربی داشته باشند. هر بیتی درست است که رب البیت، آقای خانه، خانم خانه داشته باشد، غیر از آن، در هر بیتی باید خدا پرستیده شود. در سوره نور می‌فرماید **فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ**، خانه‌هایی که خدا اذن داده نامش ذکر شود، باعث می‌شود آن خانه‌ها رفعت پیدا کنند. ارزش بیت‌ها به پرستش خداست. به این موضوع در ارتباط با الفت باید توجه شود.

وقتی آدمها بیت دارند بستر بهتری برای الفت دارند. و وقتی خدا در بیوت پرستیده شود فرصت مناسبی برای ایجاد الفت است. عبودیت خدا بستر مناسبی برای ایجاد الفت است.

حالا که این الفت هست، باید رب این بیت را بپرستند.

شبهه سوره کوثر که گفتیم، شکر نعمت کوثر را با نماز و قربانی بجا بیاور تا بتوانی از آن

بهتر بهره مند شوی، در این سوره انگار می‌فرماید برای حفظ و به بلوغ رساندن این الفت، باید پروردگار این بیت را بپرستند.

برای اینکه این الفت ساختار پیدا کند باید بیت وجود داشته باشد و برای اینکه پایدار شود و به مقصد برسد، باید پرستش پروردگار صورت بگیرد. بیت داشتن و پرستش پروردگار الفتها را زیاد می‌کند. **فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ**.

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

این را آدمها درک می‌کنند. اگر قرآن هم نگفته باشد این مساله را همه فطری می‌فهمیدند که غذا و امنیت نیاز اولیه انسانها است. این دو نیاز برطرف شود بعدا نیازهای دیگر تازه مطرح می‌شود. غذا نباشد که می‌میرد. تامین غذا مهمترین وظیفه حکومتهاست و امنیت. احساس نمی‌کند هر لحظه یکی ممکن است به آنها آسیب بزند. این دنیاهای پایه ای انسان است. اگر سوره را از آخر به اول بخوانیم:

غذا و امنیت دو نیاز پایه است. اینها را خدا برای انسان تامین می‌کند. پس نیاز به عبودیت پروردگار است و باید بیتی وجود داشته باشد چون هم اطعام و هم امنیت در بیت بوجود می‌آید. برای اینکه تامین غذا و امنیت به یک چرخه تبدیل شود و ساختار ایجاد شود، نیاز به ایجاد الفت بین افراد و با کاری که انجام می‌دهند، است.

یعنی مفاهیم الفت، شغل، بیت، رشد(رب)، پرستش و رفع نیازهای اولیه یک منظومه و ساختاری را شکل می‌دهند که می‌شود مطالعات زیادی روی آن انجام داد.

سوال: ارتباط بین ایلاف و کوچ کردن، ایلاف و اطعام و امنیت از نظر مقدم و موخر بودن هر کدام توضیح دهند. اینها از منظرهای مختلف تقدم تاخرشان فرق دارد. اینها را می‌شود به صورت چرخه دید یعنی هر کدام می‌توانند مقدم یا موخر باشند. بالاخره باید یک الفتی باشد، تا بشود آدمها با هم کوچ کنند، بعد خود سفر، بین آنها ایجاد

الفت می‌کند. الفت باید باشد که امنیت و کنار هم جمع شدن بوجود آید و همین کنار هم جمع شدن و امنیت، الفت ایجاد می‌کند. اینها را باید منظومه ای دید.

سوال: خارج از بیت، امنیت تعریف نمی‌شود؟

نمیدانم. ممکن است بشود تعریف کرد. بیت از مولفه‌های مهم در امنیت است. از زمان‌های گذشته دور شهرها دیوار می‌کشیدند. محدوده ایجاد می‌کردند. محدوده و کنار هم قرار گرفتن، بیت تشکیل می‌دهد. از اول بشر می‌دانسته اینگونه امنیت ایجاد می‌شود. هر وقت حرف از امنیت زده می‌شود، موضوع بیت هست. افراد اگر از نظر معنوی ارتقا پیدا کنند، کم کم به جای کسب امنیت از دیوار و قلعه و افراد دیگر، امنیتشان را از خدا کسب می‌کنند. امنیت را بواسطه الله و ملائکه و کتاب در واقع به واسطه غیب، امنیت پیدا می‌کنند. جالب است خدا برای امنیت بوسیله همین غیب و برای پرستش، باز هم بیت قرار داده، جایی را گذاشته برای اینکه آنجا خدا پرستیده شود. خدا هم خود مسجد الحرام را برای پرستش قرار داده و هم مساجد دیگر که شعبه‌های دیگر بیت الله هستند. اگر افراد بخواهند امنیت خودشان را خارج از محدوده‌های حصارها و دیوارها تامین کنند و درواقع با ایمان امنیتشان را کسب کنند، باز هم خدا برای همین امنیت، بیت قرار داده است. بیت صرفاً فیزیکی نیست ولی به نظر می‌آید که بیت برای تامین امنیت موضوع مهمی باشد.

سوال: معنا و مصادیق امنیت چیست؟

مفهوم امنیت بدیهی است. احساس امن و امان بکند. خوف نداشته باشد از ترس‌ها ایمن باشد. آم‌ها یکسری نگرانی‌ها دارند. امنیت چیزی است که نگرانی را برمی‌دارد. ممکن است آدم نگران این باشد که بهش حمله کنند یا نگران باشد قلبش بایستد. آدمهایی که از نظر معنوی ارتقا پیدا می‌کنند چون به خدا امنیت می‌یابند، خوف به دلشان نمی‌افتد. ترس نداشتن، نگران آینده نبودن، اطمینان به آینده روشن داشتن امنیت است. این فقط در نظام‌های توحیدی وجود دارد چون آینده با تعریف‌های غیر الهی خیلی روشن نیست و برخی نظریه‌ها از آینده در

جهان الحادی، خیلی تاریک و وحشتناک است. در نظام الهی آینده روشن است. کافی است در جهتی که خدا تعیین کرده قرار داشته باشیم تا امنیت حاصل شود.

سوال: امنیت مهم است یا احساس امنیت؟

در امنیت، احساس خیلی موضوعیت دارد. اصل احساس امنیت است. برخی همیشه در امنیت هستند ولی احساس آن را نمی‌کنند. امنیت اولیه وجود دارد. دشمن در خیابانها نیست. آنقدر امن است ولی بیماری هست ناامن است. یا برای شغلشان احساس عدم امنیت بکنند.

این که آدمها چه حسی داشته باشد موضوعیت دارد. امنیت حقیقی را ایمان ایجاد می‌کند با باور یک حقیقت ایجاد می‌شود. خدا می‌خواهد به واسطه غیب آدمها امنیت خود را کسب کنند. نظام ربوبی حاکم است بدانند عالم حساب کتاب دارد خداوند به واسطه ملائکه هوایشان را دارد. گاهی با القا باید احساس امنیت ایجاد شود.

در شرایط یکسان می‌شود القا کرد که شرایط خیلی امن است، در همان شرایط جوری القا شود که فکر کنند شرایط خیلی ناامن است.

اهداف تربیتی سوره

پایه اول

لازم است آنها را با کارهایی مواجه کنیم که تنهایی انجام نمی‌شود و با جمع انجام می‌شود. اگر بهم کمک نکنیم و الفت نداشته باشیم، انجام نمی‌شود مثل جابجایی یک میز.

چون در این سن بچه‌ها اهل جنب و جوش هستند، این موضوع را در بازی باید به آنها نشان بدهیم. باید بازی‌هایی طراحی کرد که تنهایی نمی‌شود انجام داد.

به آنها می‌گوییم ما از سوره قریش یاد می‌گیریم که "برخی کارها تنهایی انجام نمی‌شوند."

ملاحظات:

* این را ببینند و تجربه کنند که برخی کارها تنهایی انجام نمی‌شود و نیاز به جمع دارد.

* این مواجهه در بازی و در بستر نشاط صورت بگیرد.

مهمترین مساله که باید آموزش ببینند: "درک وجود کارهایی که تنهایی انجام نمی‌شود."

برای ورود سوره به زندگیشان، ضمن جلب توجه بچه‌ها به این موضوع، بگوییم بروید بازی دسته جمعی کنید در اینصورت هر وقت کاری دسته جمعی انجام می‌دهند یاد سوره قریش می‌افتند.

پایه دوم

اگر اولین باری است که سوره قریش را می‌خوانند لازم است که مطالب پایه اول به آن‌ها گفته شود. و به طور خاص در این پایه تنوع کارهایی ببینند که تنهایی انجام می‌شود. از کارهای ساده در حد بازی تا نقشهای در خانواده تا نقش‌های مهم اجتماعی، کارهایی وجود دارد که تنهایی انجام نمی‌شود. انواع این کارها را به آن‌ها نشان می‌دهیم و توجهشان را به آن جلب می‌کنیم.

ما از سوره قریش یاد می‌گیریم که خیلی از کارها تنهایی انجام نمی‌شود.

ملاحظات آموزش:

* تنوع کارها را ببینند.

مهمترین مساله آموزشی در این پایه این است که بدانند "کارهای مختلفی وجود دارد که فقط به صورت

جمعی انجام می‌شوند" و بتوانند، ۱۰ ۱۵ کار را نام ببرند که به تنهایی نمی‌شود انجام داد.

ورود سوره به زندگیشان اینگونه است که هر وقت کار جمعی انجام می‌دهند، یاد سوره قریش بیفتند مثلاً اخبار که گوش می‌دهند، بزرگترها چیزی تعریف می‌کنند، در موقعیتهای مختلف که از کارهای جمعی می‌شنوند با با آنها برخورد می‌کنند، یاد سوره قریش می‌افتند. و در بازی این سوره را تجربه می‌کنند.

پایه سوم

توقع اقدام عملی از بچه‌های پایه سوم داریم حتی یک کار کوچک. توقع داریم یک کاری که تنهایی نمی‌شود انجام داد را شناسایی بکنند و تلاش کنند با تالیف و درست کردن جمع آن را انجام دهند. در سوره قریش چون جمع شدن موضوع اصلی سوره است، کار عملی در این پایه خودش تشکیل جمع است و گرنه کار جمعی برای پایه‌های بالاتر است.

سوره قریش از ما می‌خواهد برخی از کارهای خوب را با کمک جمع و با کمک از دوستانمان انجام دهیم.

ملاحظات آموزش:

* در عمل یک تالیف و یک جمع تشکیل بدهند.

مهمترین مساله آموزشی: "به نتیجه رساندن یک کار جمعی توسط بچه‌ها است."

برای ورود سوره قریش به زندگی بچه‌های پایه سوم باید بتوانند در زندگی بین افراد الفت ایجاد کنند و به واسطه آن کار جمعی انجام دهند.

پایه چهارم

بچه‌های این پایه لازم است یاد بگیرند برای انجام کار برنامه داشته باشند. اگر اولین بار است که سوره قریش را می‌خوانند لازم است مطالب سال‌های قبل هم آموزش داده شود و آنها را با کارهای جمعی مواجه می‌کنیم، تنوعشان را نشان می‌دهیم و انجام یک کار جمعی را از آنها می‌خواهیم ولی مشخصاً در این پایه از آنها می‌خواهیم

که فهرستی از کارهای خوبی که به تنهایی نمی‌توان انجام داد، داشته باشند سپس با تالیف و تشکیل گروه، با یک برنامه مشخص بعضی از این کارهای خوب را انجام دهند.

برنامه ریزی هم که می‌گوییم منظورمان چیز عجیب و پیچیده‌ای نیست. کافی است که نسبت به یک موضوع جمع، دید داشته باشند. بدانند یکسری کارها جمعی هستند و باید بتوانند جمع تشکیل بدهند

سوره قریش به ما یاد می‌دهد که "برای انجام کارهای خوبی که تنهایی نمی‌شود انجام داد برنامه داشت و آنها را انجام داد."

ملاحظات:

کمک کنیم تنوع کارها را به جهت فردی و جمعی بشناسند. بتوانند آنها را فهرست کنند. مثلاً خواب، استراحت، صبحانه خوردن، نماز خواندن و لباس پوشیدن و... وقتی فهرست داریم، می‌بینیم یکسری کارها باید با جمع انجام شود. صورت شستن، کمک کسی را نمی‌خواهد ولی آموزش دیدن نیاز هست که به مدرسه بیایند. پای دیگران هم به میان می‌آید.

یکسری کارها روزمره است ولی گاهی کارهایی خوب است انجام دهند که غیر از کارهای روزمره هست مثلاً در سوره ماعون این بود که ساعتی در ماه را اختصاص به رسیدگی به محرومان دهیم. باید برای این کارها برنامه ریزی کنیم. در همه اینها کارهای جمعی را شناسایی کنند و برای کارهای جمعی برنامه ریزی کند که چه زمانی آن را انجام دهند، با کدام دوستان این کار جمعی را انجام دهند و چجوری این کار جمعی را انجام دهند. در این پایه می‌توان با بچه‌ها گفتگو کرد.

مهمترین موضوع: بچه‌ها فهرست متنوعی از کارهای خوب جمعی را داشته باشند و با برنامه ریزی آن کارها را جمعی انجام دهند.

به همین ترتیب سوره وارد زندگی بچه‌ها می‌شود.

پایه پنجم

اگر اولین بار است که سوره قریش را می‌خوانند لازم است مطالب سال‌های قبل هم آموزش داده شود و در این پایه لازم است برای آموزش سوره قریش آنها را با نقش‌های اجتماعی آشنا کنیم. در اجتماع برای اداره جامعه نیاز به نقش وجود دارد، چه در اجتماع کوچکی مانند مدرسه، چه در اجتماع بزرگ، به نقش‌های مختلف توجه کنند به خصوص نقش‌هایی که مربوط به تامین نیازهای اولیه و ایجاد امنیت است، مثلا نقش کشاورز و نانوا برای تامین غذا، پلیس و سرباز برای تامین امنیت. نقش معلم هم به عنوان تامین کننده طعام علمی می‌توانیم مطرح کنیم. به همراه توجه به نقش‌های اجتماعی، باید توجهشان به نماز و عبادت خدا به عنوان شکر نعمت ایلاف جلب شود. این نقش‌ها بواسطه الفت ایجاد شده و الفت هم توسط خدا، برای این باید خدا را شکر کرد.

ما از سوره قریش یاد می‌گیریم که خداوند با ایجاد الفت بین انسان‌ها، آنها را در نقش‌های مختلفی قرار داده که باعث تامین نیازها و امنیت آنها شده است.

ملاحظات آموزشی:

* فضاهایی را برایشان بوجود بیاوریم که نقش‌ها را به صورت عینی ببینند. فرصتهایی برای گفتگو فراهم آوریم، اردوهای در نظر گرفت که بعضی شغلها را ببینند. شغل کشاورزی و ایفای نقش پلیس را از نزدیک ببیند و با این نقش‌ها مواجه شوند یا از مشاغلی مانند آتش‌نشان‌ها دعوت کنیم که به مدرسه بیایند و توضیح دهند که چگونه جان افراد را نجات می‌دهند.

* وقتی که از خدا و نماز صحبت می‌کنیم، یکی از دعاهایی که می‌کنیم، خدا را بخاطر تامین نیازها و تامین امنیت شکر کنیم. به خاطر اینکه خدا جامعه را طوری قرار داده که می‌شود بین افراد روابط شکل بگیرد و نیازهای ما به واسطه آن تامین می‌شود، خدا را شکر می‌کنیم.

مهمترین موضوع: "وقتی با نقشهای اجتماعی مواجه می‌شوید، یاد خدا بیفتند و خدا را به خاطر آن شکر کنند."

اینطوری سوره وارد زندگی‌شان می‌شود. رابطه بین نقش‌ها و خدا را می‌بینند.

شرک باعث می‌شود که فکر کنیم نیازها را جاهای مختلف می‌شود تأمین کرد. مشرک فکر می‌کند که سلامتی را دکتر، غذا را کشاورز، امنیت را پلیس و ... تأمین می‌کند.

بچه‌ها باید با دیدن نقش‌های اجتماعی، متوجه الفت شوند و یاد خدا بیفتند. با این اتفاق این تصور اشتباه که اسباب نیاز انسان را برطرف می‌کند، رفع می‌شود و می‌فهمند مسبب‌الاسباب خداست و اسباب را خدا قرار داده است.

پایه ششم

اگر اولین بار است که سوره قریش را می‌خوانند لازم است مطالب سال‌های قبل هم آموزش داده شود و اگر سطح بچه‌ها به پایه ششم رسیده است در این پایه، بچه‌ها باید در برخی نقش‌های اجتماعی را تجربه کنند. وقتی فهمیدند این نقش‌ها لطف خداست و با آنها نیازهای ما را برطرف کرده است، حالا باید تمرینی نقش‌ها را تجربه کنند مثلاً در خانه یک روز پسرها نقش پدر و دخترها نقش مادر را ایفا کنند. بچه‌ها در زندگی شهری خیلی راحت طلب بار آمدند و نفهمیدند که این غذایی که جلویشان گذاشته می‌شود با فرایندی تهیه شده است حالا با ایفای نقش مادری می‌بینند مادر به چه چیزهایی فکر می‌کرده است، اگر نان به موقع نرسد چه مسائلی پیش می‌آید و غیره. در این پایه بچه‌ها باید یک ساعت نقش نانوا، پلیس، کشاورز و ... را ایفا کنند.

قرار گرفتن در این نقش‌ها مهم است. در زندگی روستایی که نوعاً بچه‌ها در این سن خودشان دارای نقش هستند، اشاره کنیم که این نقشی که داری بخاطر الفتی هست که خدا ایجاد کرده. بیشتر توجهشان بدهیم به تأثیری که نقششان ایجاد می‌کند. حس خوبی به نقششان داشته باشند و ببینید نیازی را دارند برطرف می‌کنند.

بچه‌ها باید لمس کنند که خدا با ایجاد الفت بین مردم چه نعمتی را قرار داده است. به

بچه‌ها می‌گوییم سوره قریش به ما یاد می‌دهد که هر کدام از ما باید متناسب با خودمان از نقش‌هایی که خدا به واسطه الفتی که قرار داده نقش را بپذیریم و نقشی را ایفا کنیم.

ملاحظات آموزشی:

* فضایی ایجاد کنیم که بچه‌ها بتوانند نقشی را ایفا کنند.

مهمترین موضوع: "تجربه نقش اجتماعی توسط دانش آموزان است."

نکته

اگر آموزش فهم قرآن از سال اول شروع شود، سوره قریش در پایه دوم است. ولی اگر فهم قرآن را از پایه‌های بالاتر شروع کنیم، مثلاً از پایه پنجم شروع کنیم، در پایه ششم که سال دومشان می‌شود به سوره قریش می‌رسند. اگر در کشور بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم، برای تولید محتوا بهتر است تمرکز را بگذاریم روی سوره‌های همان پایه شان بگذاریم. این پژوهش‌های اخیر برای این بوده که بخواهیم فهم قرآن را در پایه‌های بالاتر شروع کنیم. حالا که می‌خواهیم از هر پایه‌ای شروع کنیم این امکان وجود داشته باشد. بچه‌هایی که از اول فهم قرآن کار کرده اند در پایه ششم سوره‌هایی مثل تکویر و نبا را می‌خوانند که بعداً آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

سوال: آیا خوب است در موقعیت‌های مختلف که مرتبط با مفهوم سوره قریش است سوره را به بچه‌ها یادآوری کنیم؟

خیلی کار خوبی است. در کتاب‌های جدید هم قسمتی در نظر گرفته شده که رابطه کتاب‌های درسی مختلف را با سوره توضیح داده است تا معلم در کتب درسی، اگر مثالی از مفهوم سوره دید، به سوره ارجاع دهد. هم در کتب درسی و هم در موقعیت‌های دیگر با این کار به فهم سوره کمک می‌کند و سوره را در زندگی مردم جاری می‌نماید.

سوال: در نقش‌های اجتماعی از لحاظ عرصه‌ی انتخابی بین دختر و پسر تفاوت باید

بگذاریم؟ اگر بله چگونه مرزها را برایشان تبیین کنیم؟

به طور طبیعی بله فرق دارند ولی تبیین نمی‌خواهد. بستگی دارد ما آنها را در چه موقعیتی قرار می‌دهیم. این موضوع برای پایه ششم است که نوعاً برنامه‌ریزی طوری هست که انتخاب نقش اجتماعی با بچه نیست. اگر در روستا یا موقعیتی هستیم که انتخاب نقش با خود بچه باشد، اگر مانع شرعی نداشته باشد، خیلی تبیین خاصی نمی‌خواهد، نیاز به منع خاصی هم ندارد حتی اگر دختری یک نقش پسرانه انتخاب کرد بعداً خودش با تجربه می‌فهمد که متناسب با ذائقه‌شان نیست... اگر ما نقش را انتخاب می‌کنیم، متناسب با دختر و پسر بودن آنها، نقش را پیشنهاد می‌دهیم. معلم‌ها نوعاً در دبیرستان این سوال برایشان پیش می‌آید.

سوال: چطور بفهمند این ارتباط اجتماعی به خاطر الفت است نه نیاز و منفعت افراد؟

نیاز و منفعت افراد با الفت منافات ندارد. الفت خودش یک نیاز است. این الفت باعث برطرف شدن نیازهای شان می‌شود. به طور طبیعی انسان‌ها در روابط اجتماعی به دنبال رفع نیازها و منفعتشان هستند. حالا هرچه انسانها رشد می‌کنند، سطح منافعتشان هم رشد می‌کند. ولی به طور طبیعی روابط اجتماعی به خاطر رفع نیاز شکل می‌گیرد. لزومی هم ندارد به بچه‌ها توضیحی بدهیم.

قریش به خاطر منافع اقتصادی باید دوست می‌بودند، رابطه خوبی می‌داشتند تا بتوانند کاروانی را حرکت بدهند و کار تجاری بکنند و نیازشان را رفع بکنند. اصلاً این نیازشان و منفعتشان، این الفت را ایجاد کرده است. تمایزی با هم ندارند. به بچه چیز خاصی نیاز نیست در این باره بگوییم. همین نکاتی که در اهداف توضیح دادیم را برایشان می‌گوییم.

نسبت الفت و منفعت را بچه‌ها ذاتاً می‌فهمند. بعداً که آدم‌ها رشد می‌کنند، فقط منافعتشان رشد می‌کند و گرنه منفعت چیز بدی نیست.

سوال: در مورد نقشهای اجتماعی منفی چه باید گفت؟

نقش اجتماعی منفی نداریم، یکسری نقش اجتماعی کاذب داریم. نقش اجتماعی برای تامین نیاز مردم است. اگر نقشهای منفی که می‌گویید در جامعه حالت بغی، تجاوز به حقوق دیگران دارد مانند دزدی و کلاه برداری، اینها که اصلا نقش نیستند. ولی ممکن است جامعه‌ای داشته باشیم که کسی شغلش این است که مشروب می‌فروشد لزوم ندارد در مورد آن صحبت کنیم، الحمدلله به برکت حکومت اسلامی، در جامعه مواجه با آن نیستیم.

بچه‌ها را نباید درگیر برخی از مسائل کرد مگر اینکه سوال بپرسند که دو حالت دارد:

۱- تقصیر خودمان بوده که جوری بحث را مطرح کردیم که این سوال را بپرسند که باید مراقب باشیم بحث را اینجوری بیان نکنیم که ذهن بچه‌ها به این سمت برود.

۲- بیرون از محیط ما این را شنیدند، باز دو حالت دارد:

الف) اولین کاری که باید انجام داد، پیچاندن است. همه سوال‌ها را نباید جواب داد. برخی سوالها برایشان واقعی نیست و نیازی از آنها را برطرف نمی‌کند، نباید به روی خودمان بیاوریم، انگار که اصلا متوجه سوالتان نشدیم. تا می‌شود نباید جواب داد.

ب) اگر اصرار داشت می‌شود گفت که این نقش‌هایی نیستند که خدا قرار داده باشد. چون افراد، نقشهای اصلی اجتماعی خودشان را درست ایفا نکرده‌اند، در نقش‌های کاذبی قرار گرفته‌اند که برای جامعه مضر است. این را هم گفتیم، دیگر راجع به آن بحث نمی‌کنیم و سریع هم بحث را جمع می‌کنند.

معلمی که پیچاندن بلد نباشد معلمی نمی‌تواند بکند.

سوال: در فعالیت‌های سوره تشکیل گروه‌های چالش دار توصیه می‌شود یا کم تر چالش دار؟

بیشتر گروه‌های که چالش نداشته باشد به خصوص در پایه‌های پایین‌تر. گروهی که خیلی راحت تشکیل شود و خیلی راحت کار را انجام دهد و خیلی راحت به نتیجه برسد. در کلاس سوم که باید اینگونه باشد. در کلاس چهارم ما نمی‌خواهیم گروه‌های چالش دار تشکیل دهیم البته منظورمان از چالش را دقیق نمی‌دانم، براساس آنچه که در ذهنم هست می‌گویم. در پایه چهارم چون بچه‌ها باید فهرستی از فعالیت‌های جمعی داشته باشند و سعی کنند با یک برنامه ای آنها را انجام دهند، ممکن هست برخی از گروه‌ها خیلی راحت هم شکل نگیرد، برخی از کارهای خوبی هم که می‌خواهند انجام دهند، کارهایی باشد که به راحتی انجام نشود. اینها اشکال ندارد ولی ما قصد نداریم گروه‌های چالش دار تشکیل بدهند. ما سعی می‌کنیم برای اینکه بچه‌ها سوره قریش را یاد بگیرند با شرایطی روبه رو شوند که گروه‌ها راحت شکل بگیرند و کارها راحت انجام شود.

سوال: آیا با سختی مشاغل مواجه کنیم؟

فقط منظورمان آشنا شدن با سختی آن نیست. منظورمان لمس کردن آن موقعیت است. به طور طبیعی هر شغلی سختی‌های خودش را دارد و هر وقت کسی آنرا تجربه می‌کند، با همه چیزش آشنا می‌شوند از جمله با سختی‌اش هم مواجه می‌شوند.

چند روز پیش یک متن زیبایی شنیدم که فردی در مورد برگشتن گوسفندان به آغل متنی داستان گونه نوشته بود. معلوم بود که این متن را یک فرد روستایی نوشته و آنرا تجربه کرده است. متن بسیار شیوایی بود. چیزهایی که از آن متن شنیدم، اصلا در دایره ذهنی من این مسائل وجود نداشت چون اصلا ندیده بودم، تجربه نکرده بودم و نشنیده بودم. بیشتر چیزی مدنظرمان است که بچه‌ها در آن نقش‌ها قرار بگیرند، این است که اصلا این موضوع بیاید در ذهنشان. بروند ببینند با چه فرآیندی، با چه مراحل این اتفاقات می‌افتد. ممکن است خیلی هم کار سختی اتفاق نیفتد. مهم این است که این ایفای نقش را لمس و تجربه کنند که به طور طبیعی آنها را با سختی‌های آن هم آشنا می‌کند.

سوال: اگر حالت رفت و برگشتی فهم قرآن کار شود چه طور است؟ مثلا اگر بچه ای سال اول با سوره قریش رو به رو شد سال بعد از منظر دیگر یا بعد از گذشتن هر سوره به سوره ی قبل هم برگردیم.

بهتر این است که در طول دبستان با این ۳۸ سوره آشنا بشوند. منتها یکی از مدارسی که با آن مواجه هستیم در ایالات امریکا هست. خانم دکتری تابستان دو ماه به ایران می آیند و در جلساتی شرکت می کنند و مدرسه‌ای شیعی ایجاد کردند و می گوید این امکان را داریم که هر سال همه سوره‌ها را بخوانیم بستگی به شرایط مدارس دارد. یعنی بچه در پایه اول ۳۸ سوره را می خوانند پایه دوم هم همان ۳۸ سوره را می خوانند. اینکه ما بیاییم سال اول ۹ تا سوره کار کنیم، سال بعد هم همان ۹ تا سوره را بگوییم، سال بعد هم همانرا به نظر می آید که بهتر است بچه‌ها در سالهای بعد سوره‌های بعدی را کار کنند. اینکه در یک سال ۳۸ سوره را بخوانند هم به نظر می رسد فرصت کافی برای جا افتادن سوره‌ها وجود نداشته باشد. این را کسی که برنامه ریزی می کند بسته به شرایط باید موقعیت را بسنجد.

اینکه سر یک سوره، به سوره دیگر برگردیم و اشاره کنیم، این اصلا از ملزومات است و خیلی کار خوب و مهمی است. مثلا اگر ما سوره ماعون را خواندیم و تمام شد، بعدا که رفتیم سوره بعدی، نباید سوره ماعون را فراموش کنیم. سوره ماعون وارد زندگیمان شده و هر جا هر موقعیتی پیش آمد، به آن اشاره می کنیم.

هر جا بحث زیبایی مطرح بود، به سوره حمد، هر جا بحث مشکلات بود، به سوره فلق و... اشاره می کنیم. به این ترتیب ما سوره‌ها را فراموش نمی کنیم. وقتی به سوره قریش می رسیم، ۹ تا سوره دیگر هم خوانده ایم که در موقعیت‌های مختلف هر جا با مفهوم سوره‌ای مواجه شدیم، به آن اشاره می کنیم. برای همین است که به تمایز برخی سوره‌ها اشاره می کنیم. ما تا الان سه جور کمک کردن گفتیم با زاویه‌های مختلف، یک مدل کمک در سوره نصر گفتیم که یاری دین خداست، مدل کمک‌ها در این سوره اینطوری هست که یک کاری یک جایی دارد انجام

می‌شود، من هم دوست دارم در آن مشارکت داشته باشم، اینجور نیست که آن کار زمین

مانده باشد، به کار فردی و جمعی هم ربط ندارد، من دوست دارم در آن مشارکت کنم. یک جا کسی هست که زمین گیر شده و دارای ناتوانی‌های مختلف است، من کمک می‌کنم که نیاز او مرتفع شود، این مدل سوره ماعون است ولی یک کاری هست اصلاً تنهایی انجام نمی‌شود و فقط با جمع انجام می‌شود این مدل سوره قریش است البته ممکن است یک کاری باشد که همه این ویژگی‌ها را در آن باشد. اگر مشارکتی که می‌خواهیم بکنیم را از زاویه یاری دین خدا به آن نگاه کنیم، سوره نصر است، اگر از زاویه رفع نیاز محروم نگاه کنیم می‌شود سوره ماعون و اگر از زاویه با هم بودن و استفاده از توان جمع نگاه کنیم، می‌شود سوره قریش.

سوال: کتاب‌های دبستان بیشتر روخوانی و روانخوانی هست، چطور بین این روش با کتابشان ارتباط برقرار می‌شود؟

یا اینکه این سیر باید زمانی جدا از کلاس اصلی قرآن داشته باشد؟

برنامه فهم قرآن برنامه ای جدا از کتاب درسی هست. حالا یا در کلاس قرآن اگر زمان اجازه می‌دهد جدا از آن در مورد فهم قرآن صحبت می‌شود یا در زمان فوق برنامه دیگر. در فهم قرآن، کتاب درسی قرآن هم یک کتاب درسی هست مثل ریاضی، علوم وغیره، ما مباحث را که مطرح می‌کنیم، هر جا در کتاب درسی، مثالی که مرتبط با مباحث باشد، مواجه شویم، به آن اشاره می‌کنیم.

این مباحث مربوط به زنگ قرآن درسی نیست. درزنگ قرآن بیشتر روی روخوانی کار می‌شود، این مباحث مربوط به مفاهیم است هرچند که اینها خیلی کمک می‌کند به این که روخوانی بچه‌ها بهتر شود و انگیزه شان برای روخوانی بیشتر شود.

سوال: قرآن دارای بطن است و رفتارهای معنوی هم دارای مراتب است از طرفی سطح دانش آموزان هم متفاوت

است ما چه زمانی به سوره‌ی بعدی برویم؟

می‌توانیم سوره‌های بیشتری را ارائه دهیم. تعداد سوره‌ها در هر پایه ملاک نیست، جا افتادن

سوره‌ها برای بچه‌ها و وارد شدن سوره‌ها در زندگی آنها ملاک است. اگر احساس کردیم این سوره‌ای که ما یک ماه برای آن در نظر گرفته بودیم حالا بعد از دو هفته وارد زندگی بچه‌ها شد، خوب هدف محقق شده، می‌رویم سوره بعدی. اگر بچه‌ها و موقعیت طوری بود که می‌شد سوره‌های بیشتر گفت اشکال ندارد.

سوال: سراغ فعالیت‌های جمعی می‌رویم که فردی صورت نمی‌گیرد یا سراغ فعالیت‌های جمعی می‌رویم که منافع بیشتری دارد؟

در ابتدا در پایه‌های اول و دوم برای اینکه بچه‌ها با نقش جمع آشنا شوند، به فعالیت‌های جمعی می‌پردازیم که اصلاً فردی انجام نشوند. اول تمایز کار فردی و جمعی را بفهمند. از طرف دیگر کارهای جمعی که نفعشان به جمع می‌رسد، نوعاً کارهایی هستند که فردی انجام نمی‌شود، ممکن است کاری مانند کمک به محرومین، فردی انجام شود، ولی منافع کار جمعی آن طوری هست که به صورت فردی آن منافع را ندارد. برای پایه‌های بالاتر اگر کارهایی بود که در یک سطح آن را می‌شود فردی انجام داد، اشکال ندارد، ما تمرکزمان روی منافی است که جمع بودن دارد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم